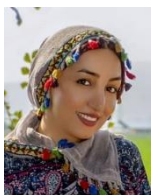


داستانهای سقف حمام وکیل شیراز



زهره رئیسی

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه تهران

۱- معراج حضرت رسول

در مرکز، پیامبر^(ص) را سوار بر اسب خود، بُراق می‌بینید که سرشار از نور هستند و در مرکز کادر جای گرفته‌اند و فرشتگان گرداگرد آن حضرت به شکل دوار قرار گرفته‌اند و حالت و زاویه هیچ یک از آنها شبیه آن دیگری نیست. این نوع ترکیب‌بندی نهایتِ توجه بیننده را به مرکز جلب می‌کند.



۲- به چاه انداختن حضرت یوسف

داستان این صحنه بین یوسف و برادرانش اتفاق افتاد. هنگامی که برادران یوسف گفتند ما با آنکه چندین برادر هستیم، پدر چنان دلبسته یوسف است که او را از همه ما بیشتر دوست دارد. پس حيله کردند و اجازه او را از یعقوب^(ع) گرفتند و همراه خود به صحرا بردند و او را به چاه انداختند.



۳- شمایل حضرت علی با شمشیرشان ذوالفقار

در این تصویر، چهره حضرت علی^(ع) به صورت هاله‌ای نورانی مشخص شده‌است. درحالی‌که حضرت در مرکز تصویر سوار بر اسب، ذوالفقار را بالا برده و پیکر دیوی را نشانه گرفته، به نظر می‌رسد دیو در حال خواهش از امام می‌باشد. در این نگاره، دو بخش تصویر روی هم قرار گرفته‌است و اثری از پرسپکتیو دیده نمی‌شود. در زمینه، از عناصر طبیعی گل و بوته استفاده شده‌است.



۴- صحنه قربانی کردن حضرت اسماعیل توسط حضرت ابراهیم

در این تصویر، حضرت ابراهیم^(ع) را در حال قربانی کردن حضرت اسماعیل^(ع) مشاهده می‌کنید. افرادی درحالی‌که غمگینند، اطراف آنها تصویر شده‌اند.



۵- بیرون آوردن حضرت یوسف از چاه

پس از آنکه یوسف^(ع) در چاه انداخته شد، کاروانی به آنجا رسید. وقتی سقای قافله برای برداشتن آب کنار چاه می‌آید، متوجه یوسف می‌شود و او را از چاه بیرون می‌آورند.



۶- صحنه دیدار بیژن و منیژه

در سمت راست، منیژه را می‌بینید که در شاهنامه دختری زیبارو و قدبلند با موهای مشکی است. سمت چپ، بیژن در بیشه‌زار در حالی که کلاه پدر را بر سر دارد، سوار بر اسب است.



۷- آبتنی شیرین در چشمه و دیدار با خسرو

صورت شیرین برخلاف صورتی است که در اشعار فارسی آمده؛ یعنی بجای صورت شاهزاده ارمنی، صورت مغولی ترسیم شده‌است. خسرو، شاهزاده ایرانی، برای نخستین بار شیرین، شاهزاده ارمنی را در محلی که او مشغول آبتنی است، می‌بیند.



۸- دیدار شیرین و فرهاد

فرهاد که در نخستین نگاه دل به عشق سپرده، مردی بسیار معمولی به نظر می‌رسد با سبیل بلند. شیرین با طنازی، گلی در دست دارد. چهره و پیکر دیگران شبیه مردم کوچه و بازار است؛ پوشاک آنها نه فاخر است نه پرکار.



۹- عشق بازی شیخ صنعان با دختر ترسا

شیخ صنعان پس از دیدن دختر نصرانی، عاشق و حیران او می‌شود، دین و ایمان خود را می‌بازد، زُنار می‌بندد و در لباس ترسایان درمی‌آید. در آخر هم پشیمان می‌شود و دوباره به حالت روحانی خود بازمی‌گردد. در این نگاره، شیخ در مقابل دختر ترسا زانو زده و از دست او شراب می‌نوشد. دختر ترسا بر روی ایوان به او می‌نگرد. دختر در وسط تصویر به صورت زنان قاجاری با ابروهای پیوسته و گل‌هایی که مویش را آراسته، با دامن بلند ایستاده. در اطراف نیز مریدان شیخ با چهره‌هایی نگران نشان داده شده‌اند.



۱۰- سلطان سنجر و پیرزن

پیرزن ستم‌دیده روبروی سلطان سنجر ایستاده و از او امان‌خواهی می‌کند و او را دلیرانه مسبب نابسامانی‌های مملکت می‌داند.



مراجع:

- اتحاد محکم، سحر؛ «مطالعه نشانه‌شناختی نقوش قاجاری سربینه حمام وکیل شیراز»، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۹۳.
- دادور، ابوالقاسم و دیگران؛ هنر/مکتب‌بری در حمام وکیل شیراز، ۱۳۹۴.

عکس:

مهدی نادری.